

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies

Vol. 17, No. 2, (Serial. 34), Summer 2024

 10.30497/qhs.2024.245199.3849

Analysis of Viewpoints in the Interpretation of Verses 6-8 of Surah Al-Duha and its Multiple Meanings based on Interpretative Hadiths

Leila Alikhani*
Ahmad Zare Zardini**
Amir Joudavi***

Received: 24/09/2023
Accepted: 13/03/2024

Abstract

Verses 6 to 8 of Surah Al-Duha, in the capacity of expressing God's special gifts to the Holy Prophet, have caused many interpretations of these verses by commentators. This diversity and difference arises from the vocabulary used, the structure of the sentences and of course the polysemy of the three verses. Multiple meanings in the verses is a reflection of God's power and wisdom in the selection of words and the arrangement of structures that cause a linguistic unit to have multiple meanings in a single use and in a specific text, and all those meanings can be accepted as God's intention. The purpose of this article is to analyze the interpretation of the sixth to eighth verses of Surah Al-Duha, in the first step, it explains the point of view of the commentators, and then, by analyzing the words used and the structure of the sentences, and examining the interpretive traditions, the appropriateness and agreement of these two in the multiple meanings of the verses proved. This research, which has been carried out with a descriptive and analytical method, comes to the conclusion that interpretive narratives in accordance with the vocabulary and structure of the discussed verses, confirm the possibility of different readings and understanding multiple meanings from them.

Keywords: *Qur'an Interpretation, Surah Al-Duha, Polysemy, Interpretative Hadiths.*

* PhD graduated in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Meybod University, Meybod, Iran. (Responsible Author) alikhani.leila27@gmail.com

** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Meybod University, Meybod, Iran. zareardini@meybod.ac.ir

*** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Yazd University, Yazd, Iran. amirjoudavi@yazd.ac.ir



دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۷، شماره ۲، پیاپی ۳۴

بهار و تابستان ۱۴۰۳، صص ۳۷۴-۳۴۳

مقاله علمی - پژوهشی

10.30497/qhs.2024.245199.3849

تحلیل دیدگاه‌ها در تفسیر آیات ۶-۸ سوره الضحی و چندمعنایی آن با تکیه بر روایات تفسیری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳
مقاله برای اصلاح به مدت ۷ روز نزد نویسندگان بوده است.

لیلا علیخانی*

احمد زارع زردینی**

امیر جودوی***

چکیده

آیات ششم تا هشتم سوره ضحی در مقام بیان مواهب خاص خداوند بر پیامبر خاتم (ص)، تعدد فهم تفسیرنگاران را به دنبال داشته است. این تنوع و اختلاف برخاسته از واژگان کاربسته، ساختار جملات و البته چندمعنایی آیات سه‌گانه است. چندمعنایی در آیات، انعکاس قدرت و حکمت خداوند در گزینش واژگان و چینش ساختارهایی است که سبب می‌شود یک واحد زبانی در یک بار استعمال و در یک متن مشخص از معانی متعدد برخوردار گردد و بتوان همه آن معانی را به عنوان مراد پروردگار پذیرفت. نوشتار حاضر با هدف بررسی تفسیری آیات ششم تا هشتم سوره ضحی در گام اول به تبیین نظرگاه مفسران می‌پردازد و سپس می‌کوشد با تحلیل واژگان کاربسته و ساختار جملات و بررسی روایات تفسیری، مناسبت و موافقت این دو را در چندمعنایی آیات به اثبات رساند. نتایج این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است نشان می‌دهد که روایات تفسیری در وفاق با مفردات و ساخت آیات مورد بحث، مؤید امکان خوانش‌های مختلف و فهم معانی متعدد از آنها است.

واژگان کلیدی

تفسیر قرآن، سوره ضحی، چندمعنایی، روایات تفسیری.

* دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران. (نویسنده مسئول)

alikhani.leila27@gmail.com

zare.zardini@meybod.ac.ir

amirjoudavi@yazd.ac.ir

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

مقدمه و طرح مسئله

سوره ضحی نود و سومین سوره قرآن کریم است و یازده آیه دارد. آیات ششم تا هشتم سوره ضحی: «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى * وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى * وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى» در مقام بیان مواهب خاص خداوند بر حضرت محمد(ص)، در شمار آیاتی هستند که تعدد و اختلاف نظرگاه‌های تفسیرنگاران را به همراه داشته است. برای مثال فهم ناصواب از آیه هفتم سوره مورد بحث سبب شکل‌گیری نظرگاه‌هایی شده که گاه با اشکالات کلامی و عقیدتی مواجه است. به موجب این دیدگاه‌ها ضلالت به ساحت نبی گرامی اسلام(ص) منتسب شده است و در برخی متون تفسیری تبعیت ایشان از آیین جاهلیت به مدت چهل سال به طول انجامیده است (نک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۴۹).

با نظر داشت برتری پیامبر خاتم(ص) بر انبیای پیشین و مؤمن و موحد بودن پیامبرانی مانند حضرت یحیی و حضرت عیسی(ع) از همان دوران صباوت و شیرخوارگی (مریم: ۱۹ و ۲۹-۳۳)، فرض دوری از ایمان تا پیش از بعثت برای خاتم النبیین(ع) پذیرفتنی نیست حال آنکه به هنگام نزول وحی نیز در کوه حرا مشغول راز و نیاز بوده است (ن.ک: سبحانی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۰۷). به نظر می‌رسد برخی واژگان کار بسته و به تبع آن آیات ششم تا هشتم سوره ضحی از چندمعنایی برخوردار هستند و سرمنشأ اختلاف دیدگاه‌های مفسران در فهم آیات نیز همین مسئله است.

منظور از چندمعنایی در اینجا به معنای ابهام معنایی نیست که بدون قصد در کلام رخ می‌دهد؛ بلکه نوعی ابهام است که به عمد از سوی گوینده اتفاق می‌افتد و لفظ با معانی دور و نزدیک آورده می‌شود (صفوی، ۱۳۹۷ش، صص ۲۱۰-۲۱۱). در راه‌یابی به مدلول و مفاد کلام الهی، عناصر گوناگونی می‌تواند مدد رساند؛ اما آنچه در این نوشتار اهمیت ویژه دارد، یافتن راهی مطمئن برای نزدیکی و وقوف به افق فکری و ذهنی گوینده آیات به قصد فهم معنا و مراد پروردگار است؛ لذا به منظور فهم آیات سه‌گانه مذکور و امکان چندمعنایی آنها، روایات تفسیری به عنوان واسطه‌ای برای نزدیکی به ذهنیت متکلم آیات و اسلوب بیانی مورد نظر او لحاظ می‌شود (ن.ک: اسعدی، ۱۳۹۴ش، صص ۳۴۹-۳۵۰). تحقیق پیش‌رو در صدد است تا با روش توصیفی تحلیلی و تأکید بر مسئله چندمعنایی و کارکرد روایات تفسیری در این باره، نظرگاه‌های تفسیرنگاران را بررسی و وجوه معانی آیات را تبیین نماید.

در رابطه با نگاه‌های پیشین در این موضوع می‌توان به تفاسیر مدون در ادوار مختلف و برخی کتب با صبغه تاریخی (ن.ک: حلبی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۳۹؛ ابن هشام، ج ۱، صص ۱۶۶-



۱۶۷؛ سبحانی، ۱۳۸۵ش، صص ۱۶۷، ۲۰۶-۲۰۷) اشاره نمود که البته در نوشتار حاضر اهم دیدگاه‌های ناظر به آیات که در این متون مطرح شده، دسته‌بندی و تقریر گشته است. افزون بر آن چندین مقاله درباره سوره ضحی به رشته تحریر در آمده است (برای نمونه بنگرید به: طه حبیب، محمدجعفری، الربیعی، نکونام) با این حال، در هیچ یک از آثار مذکور چندمعنایی آیات مورد بحث، موضوع بررسی نبوده است.

در مقالات «بررسی تطبیقی آرای مفسران در تبیین مفهوم ضلالت در آیه (وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى)» (مدنی و رفعت، ۱۳۹۸ش، صص ۱۶۹-۱۹۳) و «نقد و بررسی وجوه تفسیری آیه هفتم سوره ضحی» (دشن و اویسی، ۱۴۰۱ش، صص ۴۹-۶۶)، نیز بررسی تحلیلی دیدگاه‌ها در تفسیر آیه هفتم سوره ضحی و بدون نظر داشت چندمعنایی آن صورت گرفته است.

پژوهش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است: اولاً دیدگاه مفسران در تفسیر آیات ششم تا هشتم سوره ضحی چیست؟ ثانیاً دلایل چندمعنایی بودن آیات مورد بحث کدامند؟ ثالثاً این آیات چه وجوهی از معانی را بر می‌تابند؟ رابعاً کارکرد روایات در فهم چندمعنایی آنها چگونه است؟

۱. تعاریف

۱-۱. چندمعنایی

چندمعنایی از جمله آشناترین روابط مفهومی است که در سنت مطالعه ی معنی به آن پرداخته‌اند و آن را شرایطی معرفی می‌کنند که یک واحد زبانی از چند معنی برخوردار شود (صفوی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۱۱). به دیگر سخن مقصود از چندمعنایی آن است که یک لفظ در یک بار استعمال و در یک متن مشخص مفید معانی متعدد و مختلف باشد و بتوان همه آن معانی را به آن واژه اختصاص داد (امیدعلی و خلیلی، ۱۳۹۶ش، صص ۳۹-۶۰). بر این پایه اگر واحد زبانی دارای معانی متعددی باشد که در هر یک از موارد استعمال و با توجه به بافت کلام بر معنی مشخصی دلالت نماید از مبحث چندمعنایی خارج می‌گردد.

درباره مسئله چندمعنایی باید به این موضوع توجه داشت که اصل پدیده چندمعنایی اختصاص به متون مقدس ندارد اما کتب مقدس از ویژگی‌هایی برخوردارند که مسئله چندمعنایی در آن را از دیگر متون متمایز می‌کند. مهم‌ترین وجه تمایز، ویژه بودن متکلم است. در فضای عقایدی علم و قدرت خداوند به اندازه‌ای هست که او را مانند یک متکلم انسانی در قالب

محدودیت‌های زبانی محصور نکند و مؤمنان را بدان باور رساند که اگر در جایی از کلام الهی چندمعنایی دیده می‌شود، این کاربرد نه از روی ناچاری و محصور بودن در قالب محدودیت‌های زبانی، بلکه از روی حکمت و اغراض حکیمانه بوده است (ن.ک: پاکتچی، ۱۳۹۷ش، صص ۸۰-۸۱).

به بیان دیگر خدای تعالی که عالم به همه موجودات و خواص اشیاست، بر همه چیز احاطه دارد. این علم و احاطه الهی بر الفاظ یک زبان و همه خاصیت‌های آوایی و معنایی آن نیز جاری است؛ از این رو هنگامی که ذات حق، مجموعه الفاظی را در قالب یک کلام صادر می‌کند، قادر است واژه‌ها و ترکیب‌هایی را گزینش کند که هم‌زمان بیان‌گر چند معنا بوده و همه معانی مقصود او نیز باشد؛ هر چند مخاطب سخن خدا به دلیل محدودیتی که دارد، نتواند به طور هم‌زمان همه آن معانی و یا بیش از یک معنا از معانی مراد خدا را بفهمد (طیب حسینی، ۱۳۹۵ش، صص ۸۰-۸۱).

۲-۱. روایات تفسیری

بر اساس حدیث ثقلین قرآن و عترت همتای یکدیگرند و هدایت امت اسلامی در سایه تمسک به هر دو ثقل حاصل می‌گردد. اهل بیت (ع) همانند نبی گرامی اسلام (ص) مسئولیت تبیین آیات الهی را بر عهده دارند و اصیل‌ترین مرجع برای دستیابی به معارف قرآنی‌اند؛ از این رو، روایات معصومین (ع) مبنایی مهم در تفسیر قرآن است. در این باره باید توجه داشت بهره‌مندی از قرآن لزوماً وابسته به سنت نیست و نباید روایات تفسیری را یگانه راه ارتباط با مدلول‌ها و معارف قرآنی بر شمرد اما از سوی دیگر نقش سنت در تبیین و تفسیر قرآن امری مسلم و انکارناپذیر است (ن.ک: اسعدی، ۱۳۹۴ش، صص ۳۴۶).

لازم به توجه است که روایات تفسیری صرفاً در صدد انتقال مستقیم معارف قرآنی همانند تبیین مفاهیم و مفاد آیات و یا تبیین مفردات آنها نیستند بلکه یکی دیگر از کارکردهای سنت و روایات تفسیری، تعلیم شیوه تفسیر و حتی شناساندن ویژگی‌های متن و زبان قرآن است تا مفسر با شناختی مطلوب در این عرصه گام نهد. ذو وجوه بودن کلام خداوند و برخورداری از لایه‌های متعدد معنایی یکی از ویژگی‌های قرآن است که از مبنای سنت شناختی نیز برخوردار است.

۲. نقد و تحلیل نظرگاه مفسران و تبیین چندمعنایی آیات سه‌گانه

۲-۱. تقریر آراء در تفسیر آیه ۶ سوره ضحی

با توجه به نقش کلیدی واژه «یتیم» در فهم آیه ششم سوره ضحی، دیدگاه‌های تفسیرنگاران بر اساس معنایی که از این لغت دریافته‌اند، تبیین می‌گردد.

۲-۱-۱. یتیم به معنی محروم از پدر

برخی مفسران «یتیم» را به معنی طفل محروم از پدر فهمیده‌اند. بر این اساس معنا چنین خواهد بود: «آیا پروردگارت تو را طفلی بی پدر نیافت؟». بنابراین خداوند متعال که عالم به یتیمی پیامبر(ص) بود، ایشان را در کنف حمایت خود جای داده است (قشیری، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۷۴۱؛ اشکوری، ۱۳۷۳ش، ج ۴، ص ۸۱۰). در نظرگاه مزبور فهم معنی «ایواء» بر الحاق شیئی به چیز دیگر، سبب گشته که آیه بر ملحق نمودن پیامبر(ص) به کسانی که متولی امور آن حضرت شدند، تفسیر گردد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۳۸۰). مفسران، متولیان پیامبر(ص) را افرادی همچون حلیمه و قبیله وی، مادرش آمنه، جدش عبدالمطلب و عمویش ابوطالب برشمرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۳۶۹؛ کاشفی، بی‌تا، ص ۱۳۶۵؛ شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۸۲؛ جرجانی، ۱۳۷۸ق، ج ۱۰، ص ۳۸۹).

جمعی از تفسیرنگاران به رغم فهم معنای پیشین از واژه «یتیم»، معنایی دیگر را از آیه استنباط نموده‌اند. در این دیدگاه آیه چنین معنایی یافته است: خداوند تو را پس از آنکه یتیم بودی پناهگاه یتیمان قرار داد و بعد از آنکه تحت کفالت بودی کفیل مردمان ساخت (ماوردی، بی‌تا، ج ۶، صص ۲۹۳-۲۹۴؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱۴، ص ۲۵۳؛ خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۵۷۰).

۲-۱-۲. یتیم به معنی فرد بی همتا

عده‌ای از عالمان مسلمان، «یتیم» را به معنی فرد بی‌همتایی می‌دانند که در میان مردم نظیر نداشته و در فضل و شرف بی‌مانند است. چنین فهمی از واژه مزبور ریشه در کاربرد آن در زبان عربی دارد و اطلاق «دُرَّةٌ یَتِیمَةٌ» بر مروارید بی‌نظیر، گویای آن است (ن.ک: ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۲۲۶؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۱۲). با وجود مقبولیت رأی مزبور توسط بعضی تفسیرنگاران، نزد جمعی دیگر پذیرفتنی جلوه نمی‌کند و به استبعادش می‌پردازند (شوکانی،

۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۵۸؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۴۸۶) و آن را از ابداعات تفاسیر (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۶۸) و یا ناسازگار با ظاهر آیه می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۷، ص ۱۰۲).

برخی قائلان به معنای پیش گفته برای واژه «یتیم»، آیه را چنین فهمیده‌اند: «خداوند تو را در میان مردم، یکتا یافت و مردم را به وسیله تو پناه داد و آنان را اطراف تو جمع نمود» (ن.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۴۵۳؛ اشکوری، ۱۳۷۳ش، ج ۴، ص ۸۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۱۰). بعضی دیگر نیز آیه را بر ملحق کردن مردم به پیامبر (ص) از طریق تبعیت و ایمان به ایشان دانسته‌اند (مستنبط غروی، ۱۳۸۱ق، ج ۳۰، ص ۲۱۵).

برخلاف رأی پیشین عده‌ای از تفسیرنگاران، «فاوی» را نه به معنای پناه دادن مردم توسط پیامبر (ص) بلکه بر منزلت آن حضرت در نزد خداوند و برگزیدن برای رسالت فهمیده‌اند (ن.ک: خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۳۸؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۷، ص ۴۵۴؛ جرجانی، ۱۳۷۸ق، ج ۱۰، ص ۳۹۰). رأی دیگری که در برخی متون تفسیری دیده می‌شود، فهم آیه بر محافظت پیامبر (ص) توسط اصحاب است (ن.ک: تستری، ۱۴۲۳ق، ص ۱۹۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۲۰، ص ۹۶؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۴۸۶) که به زعم عده‌ای خلاف ظاهر می‌نماید (خطیب شربینی، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۶۳۵).

۳-۱-۲. جمع معانی

بعضی اندیشمندان قرآن پژوه رویکرد جمع معانی پیشین را برگزیده‌اند (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۱؛ سیدکریمی حسینی، ۱۳۸۲ش، ص ۵۹۶). در این دیدگاه پیامبر (ص) به تمام معنا یتیم بوده است؛ از یک سو به دلیل از دست دادن پدر پیش از تولد و وفات مادرش در کودکی یتیم شد و تحت کفالت بستگان قرار گرفت. پیامبر از جهتی دیگر هم یتیم بوده است؛ وی منقطع از نبوت و رسالت بود که بدان‌ها دست یافت و در بین مردم منحصر به فرد بود که مردم به وی پناه بردند، لذا یتیمی وی به تمام معنا زایل گشت (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳۰، ص ۳۴۵).

۳-۲. تحلیل نظرگاه تفسیرنگاران و تبیین چندمعنایی آیه ۶ سوره ضحی

هر چند فهم آیه ششم سوره ضحی بر محروم بودن از پدر و نیز منحصر به فرد بودن حضرت محمد (ص) به نظر مقبول می‌نماید اما رویکرد برخی مفسران در پرهیز از معنایی که در روایات



ناظر به آیه نیز مشاهده می‌شود، از عدم تبادر- اولین معنایی که با ملاحظه خود کلمه یا جمله بدون در نظر گرفتن صدر و ذیل آن به ذهن می‌رسد(ن.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ج ۵، ص ۱۱۵)- و یا لزوم تقدیر در آن نشئت می‌گیرد. توضیح آنکه فهم این معنا که «خداوند به وسیله تو [پیامبر] دیگران را مأوی داد»، ممکن است معنای متبادر به ذهن نباشد؛ به ویژه آنکه انصراف ذهن از معنای مشهورتر واژه «یتیم» را می‌طلبد و یا لازمه آن در تقدیر گرفتن عباراتی همچون «الیک الناس» پس از فعل «فأوی» است. اگر این استبعاد به سبب عدم تبادر معنا باشد می‌توان به سخن علامه طباطبایی که می‌فرماید: «إِنَّ التَّبَادُّرَ فِي كَلَامِهِ تَعَالَى مُنَوَّعٌ»، اشاره نمود(طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۳، ص ۲۰۰). در این باره گفته‌اند:

«بعید نیست که خداوند عزوجل بر اساس استعمال ظاهر لفظ، معنایی را اراده کرده باشد و بر اساس مجازی که قرائن بر آن دلالت می‌نماید و با نوعی تناسب با ظاهر قابل جمع است، معنای دیگری را اراده کرده باشد»(ن.ک: بحرانی، ۱۳۸۹ش، ص ۴۸).

اگر استبعاد پیش‌گفته به موجب اصالت عدم تقدیر باشد باید توجه داشت که فهم معنای نخستین نیز بی‌نیازی از تقدیر را موجب نمی‌گردد. عنایت به اشتراک لفظی واژه «یتیم» در متون لغوی و روایی بر مقبولیت معنای پیش‌گفته که ناسازگار با ظاهر به نظر می‌رسد، تأثیرگذار است.

۱-۲-۲. اشتراک لفظی

مهمترین مبنا درباره چندمعنایی، وجود معانی متعدد برای الفاظ است و اصلی‌ترین و نخستین معیار تعدد معنا و موضوع چندمعنایی، وجود الفاظ مشترک در لغت و زبان است. ساده‌ترین تعریف برای مشترک لفظی آن است که هر لفظی که دارای معانی متعدد باشد، آن را مشترک لفظی خوانند. این تعریف از سخن سیبویه و برخی دانشمندان پس از وی در باب رابطه لفظ و معنا استفاده شده است(ن.ک: طیب حسینی، ۱۳۹۵ش، صص ۸۹-۹۰).

عوامل متعددی زمینه بروز چندمعنایی را فراهم می‌سازد. در سطح عوامل متنی، چندمعنایی را در سطوح مختلفی چون تکواژ، واژه، گروه و جمله مورد بررسی قرار داده‌اند(صفوی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۱۱). به نظر می‌رسد لغت «یتیم» مشترک لفظی باشد. واژه پژوهان، لفظ «یتیم» را بر شخص فاقد پدر و به هر چیز منفرد و تک اطلاق نموده‌اند(ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۵۴؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۹؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۷۹).

عبارت: «دُرَّةٌ يَتِيمَةٌ» به معنای مروارید بی نظیر، کاربرد واژه «یتیم» در معنای دوم را نشان می‌دهد (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۹؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۷۹؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۶، ص ۱۹۱). چنین کاربردی در عباراتی مانند: «الْبَيْتُ يَتِيمٌ» نیز دیده می‌شود. در این عبارت، خانه منفردی که قبل و بعدش چیزی نباشد با «یتیم» توصیف گشته است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۹؛ زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۱۹). مصطفوی اصل واحد در این ماده را انقطاع از آن چیزی می‌داند که بدان تعلق دارد. بر این پایه بر هر چیز منفرد و منقطع از نظائرش اطلاق می‌گردد؛ چه این انفراد و انقطاع از جهت اعتلاء باشد و چه از جهت فروتر بودن (ن.ک: مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۴، ص ۲۳۰).

در معناشناسی واژه «یتیم» می‌توان بدون بسندگی صرف به داده‌های لغت پژوهان، به کاربرد آن در متون روایی نیز نظری افکند؛ زیرا مسلماً یکی از کارکردهای گزارشات روایی به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع لغوی، نقش آفرینی در شناساندن معانی مفردات قرآن است. دیدگاه واژه-پژوهان در تعدد معانی «یتیم» با روایات نیز سازگاری نشان می‌دهد. این واژه در حدیثی ناظر به آیه که به امام رضا (ع) منسوب گشته، چنین معنا شده است: «فَرَدًّا لَا مِثْلَ لَكَ فِي الْمَخْلُوقِينَ؛ بی نظیر بودی و در میان آفریدگان مانند نداشتی» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۴۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۹۵). در روایت دیگری منسوب به آن حضرت نیز واژه «وَحِيدًا» معادل «یتیمًا» قرار گرفته است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۹۹).

به جز احادیث معصومین (ع) می‌توان در فهم معانی لغات به سخن صحابیان نیز رجوع کرد. با فرض تردید در نقش سخن صحابیان در فهم مراد جدی خداوند از آیات قرآن و واژه‌های آن اما باید توجه داشت که گفتار آنان راهنمای دستیابی به معانی کاربردی واژگان در زمان نزول خواهد بود (ن.ک: رجبی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۹۶). در گزارشی که به ابن عباس منتسب گشته است، این واژه در آیه مورد نظر چنین تعریف شده است: «لَمْ يَكُنْ لَكَ نَظِيرٌ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ مِنَ الْأُولَىٰ وَ الْآخِرِينَ؛ بر روی زمین و در میان اولین و آخرین نظیر نداشتی» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۳۰؛ همو، ۱۴۰۳ق، ص ۵۳). افزون بر تعریف واژه «یتیم» بر بی نظیر بودن و همانند نداشتن در روایات اما بررسی این متون، صرفاً دلالت «یتیم» بر این معنا را نشان نمی‌دهد بلکه در حدیثی به نقل از پیامبر (ص) (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۹۶) و گزارش دیگری منسوب به ابن عباس در معنای شخص محروم از پدر نیز به کار رفته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۵، ص ۴۲۵).



۲-۲-۲. ساخت جمله

صرف تعدد معنای واژگان سبب چندمعنایی جمله نیست بلکه می‌باید این معانی را در ساخت جمله نیز به بحث گذارد. ساخت جمله مورد بحث، از عوامل ظهور دلالت آیه بر یک معنا و یا بروز چندمعنایی است. به نظر می‌رسد ساختار جمله و نوع همنشینی واژگان در آن، موجب ظهور دلالت آیه بر معنایی واحد نیست و لذا همزمان وجوه معنایی گوناگونی را بر می‌تابد. عامل حذف در ساخت جمله ظرفیت تحمل معانی متعدد و بروز چندمعنایی در آیه را سبب شده است.

حذف متعلق فعل «فأوی» عاملی تأثیرگذار بر روند فهم معناست. بر پایه آنچه در متون روایی آمده است معصومین(ع) بر این موضوع عنایت داشته‌اند و در تفسیر آیه از آن بهره برده‌اند. بر اساس روایاتی که واژه «یتیم» بر منحصر به فرد بودن پیامبر(ص) معنا شده است، تفسیر آیه: (أَمْ يَجِدُكَ يَتِيمًا فَأْوَى) (ضحی: ۶)، مستلزم در تقدیر گرفتن و چنین بوده است: «فأوی إِلَيْكَ النَّاسُ» (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۲۷؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۳۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۴۲) و یا «فأوی النَّاسُ إِلَيْكَ» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۹۵). این نوع تقدیر گرفتن، فهم آیه بر روی آوردن مردم به آن حضرت را در پی دارد.

هر چند که مقدر دانستن عبارت «الیک الناس»، رد این برداشت را نزد برخی تفسیرنگاران موجه ساخته است اما اگر واژه «یتیم» در آیه صرفاً به معنی محروم از پدر و «فأوی» حمایت خداوند از حضرت محمد(ص) را برساند، باز هم نیاز به عدم تقدیر مرتفع نمی‌گردد؛ زیرا فهم این معنا نیز مستلزم مقدر داشتن ضمیر مخاطب «ک» خواهد بود. افزون بر تفسیر آیه با تقدیر عبارت «الیک الناس»، رویکرد تقدیر ضمیر مخاطب نیز در روایات تفسیری مشاهده می‌شود؛ عبارت: «فَقَالَ أَمْ أَجِدُكَ يَتِيمًا فَأَوْيْتُكَ» در حدیث پیامبر(ص) و خطاب خداوند متعال به آن حضرت گویای آن است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۹۶).

به نظر می‌رسد در کنار اشتراک لفظی واژه «یتیم»، حذف متعلق فعل «أوی» از سوی خالق حکیم، حکمتی فراتر از رعایت فاصله و موسیقی کلام است که به موجب آن، جمله مورد بحث ظرفیتی یافته که با کمترین واژگان بیشترین معنا را در خود بگنجانند. در حقیقت گزینش و چینش واژگان از سوی خداوند متعال زمینه خوانش‌های مختلف از آیه را پدید آورده است که تفسیر معصومین(ع) از آیات نیز منطبق با انواع این خوانش‌هاست و البته چنین وفاقی را نمی‌توان تصادفی انگاشت.

با چنین رهیافتی برخی قرآن‌پژوهان معاصر درباره حذف مفعول به گفته‌اند: «اگر خداوند می‌گفت: «أَمْ لَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَاكَ»، در این صورت «پناه دادن» منحصر می‌شد به شخص پیامبر(ص) و لذا مفعول به حذف شد تا این فعل مطلق باشد تا دلالت کند بر این که او، هم پیامبر را پناه داد و هم به علت وجود او مردم زیادی را پناه داد» (سامرای، ۱۳۹۲ش، صص ۱۹۷-۱۹۸).

۲-۳. تقریر آراء در تفسیر آیه ۷ سوره ضحی

این بخش از نوشتار انعکاس مهم‌ترین نظرگاه‌های تفسیرنگاران در مفهوم‌یابی آیه «وَّوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى» (ضحی: ۷) است. به سبب نقش کلیدی واژه «ضال» در فهم آیه آراء قرآن‌پژوهان بر اساس معنای مستفاد از واژه «ضال»، دسته‌بندی و ارائه می‌گردد.

۲-۳-۱. ضال به معنی گمراه

۲-۳-۱-۱. گمراهی پیامبر(ص)

برخی مفسران عامه واژه مورد بحث را به معنی کفر و آنرا بر پیامبر(ص) منتسب نموده‌اند. در این دیدگاه پیامبر(ص) چهل سال بر امر قوم خویش بود و سپس مؤمن گردید و به توحید راه یافت. فخررازی که دیدگاه‌هایی این چنین را از کلبی و سدی در تفسیر خود نقل می‌کند ولیکن رأی جمهور را عدم کفر پیامبر(ص) حتی لحظه‌ای واحد بر می‌شمرد. در بیان او هرچند ممکن است خداوند متعال به فرد کافر، ایمان را روزی نماید و با نبوت اکرامش کند اما بر پایه آیه: «مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا غَوَى» (نجم: ۲) این مسئله درباره آن حضرت رخ نداده است (ن.ک: فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۱۹۷).

۲-۳-۱-۲. گمراهی مردم

برخی مفسران با انتساب «ضال» بر مردم برداشت‌های دوگانه‌ای را از آیه دریافته‌اند. بر پایه یکی از آنها پیامبر(ص) در میان قومی گمراه بود و خداوند وی را از این امر محفوظ می‌دارد (ن.ک: سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۹۲). برداشتی دیگر از آیه چنین است: «خداوند، پیامبر(ص) را در بین قومی گمراه دید، پس آنان را به وسیله وی هدایت نمود» (ن.ک: سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۹۲؛ قشیری، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۷۴۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۲۰، ص ۹۷).

نگارنده تفسیر غرائب القرآن به نقل دیدگاهی می‌پردازد که چنین فهمی را مجاز در اسناد- به معنی اسناد فعل یا شبه فعل به فاعل غیر حقیقی آن- دانسته و می‌نویسد: «قیل مجاز فی الإسناد و المعنی وَجَدَ قَوْمَكَ ضَلَالًا فَهَدَاهُمْ بِكَ» (نظام الأعرج، ۱۶۱۶ق، ج ۶، ص ۵۱۷).

۲-۳-۲. ضال به معنی گمشده

۱-۲-۳-۲. گمشده در راه

عده‌ای از تفسیرنگاران، «ضال» را بر شخص راه گم کرده معنا نموده‌اند و آیه را دال بر گم شدن پیامبر(ص) دانسته‌اند(ن.ک: طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۳۶۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۶۸؛ شبیر، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۲۲؛ آل غازی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۱۵۶). درباره گم گشتن حضرت محمد(ص) در تفاسیر، مصادیق متعددی آمده است و در برخی متون تفسیری عامه، روایتی مرفوع و منسوب به پیامبر(ص) شاهی بر گم کردن عبدالمطلب و راهیابی به وی درج شده است. نمونه‌ای دیگر از گزارشات بر راه گم کردن پیامبر(ص) در شب معراج اشاره دارد. این باره گفته‌اند که در شب معراج و به هنگام بازگشت جبرئیل از نزد حضرت محمد(ص)، پیامبر(ص) راه نمی‌دانست و خداوند ایشان را به مقصد هدایت نمود(ن.ک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۱۶؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۴۸۷).

به رغم این گفتارها اما فهم «ضال» بر شخص گمشده در راه، نزد برخی اندیشمندان مسلمان پذیرفتنی نیست. توضیح آنکه اولاً اصطلاح و استعمال رایج ضال را موافق با این معنا نمی‌دانند؛ ثانیاً در کنار مشکل سند و اعتبار داستان‌های نقل شده، مطابق برخی داستان‌ها، نعمت هدایت می‌باید راجع به کسانی باشد که آن حضرت را یافته‌اند. ثالثاً گم شدن پیامبر(ص) هنگام طفولیت و ساعاتی در راه با سیاق آیات در بیان نعمت‌های معروف و چشم‌گیر ناسازگار جلوه می‌کند و از چنین ارزشی برخوردار نیست که این گونه تذکر داده شده و در ردیف نعمات مشهود و معروف قرار گیرد(طالقانی، ۱۳۶۲ش، ج ۴، ص ۱۴۴).

۲-۲-۳-۲. گمشده مردم

بعضی تفسیرنگاران، «ضال» را به معنی «گمشده» و پیامبر(ص) را گمشده مردم دانسته‌اند؛ همچنان که حکمت، گمشده مؤمن است. توضیح آنکه مردم حضرت محمد(ص) را نمی‌شناختند و خداوند آنان را از طریق بعثت، به سوی هدایت نمود(صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳۰، ص ۳۴۶).

هر چند برخی عالمان مسلمان چنین فهمی از آیه را تفسیر ظاهر قرآن نمی‌دانند ولی خاستگاه آن را تفسیر اهل بیت(ع) و بطنی از بطون آن شمرده‌اند(مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۱۷۵). به نظر می‌رسد اطلاق «ضال» بر مضلول عنه از دستور زبان عربی نشئت می‌گیرد و عباراتی نظیر: «فُلَانٌ ضَالٌّ فِي قَوْمِهِ وَ بَيْنَ أَهْلِهِ» نشان از چنین کاربردی دارد(سیدمرتضی، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۴۶۶). بعضی مفسران کاربست «راضیه» در معنای «مَرْضِيَّة» را در عبارت: «عَيْشَةٌ رَاضِيَّةٌ» و کاربست «دافق» در معنای «مَدْفُوقٌ» را در عبارت: «ماء دافق»، از دیگر شواهد قرآنی چنین استعمالی دانسته‌اند و با چنین رهیافتی به توسعه معنایی دَر فَعَلٍ «فَهْدَى» قائل شده‌اند. فهم آیه به صورت: «مردم از تو گم شده بودند، تو را به ایشان ره نمود و ایشان را به تو» بر اساس چنین رویکردی بوده است(ن.ک: طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۳۶۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۱۶).

۳-۲-۲. ضال به معنی گمنامی و ناشناخته بودن پیامبر(ص)

طبق برخی اقوال درج شده در متون تفسیری، «ضال» به معنی گمنام و ناشناخته و آیه چنین معنایی را یافته است: «خداوند تو را گمنام و ناشناخته دید، پس مردم را به سوی تو و به وسیله تو هدایت نمود»(ن.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۷۶۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۵۸؛ ابن جزئی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۹۱؛ حائری طهرانی، ۱۳۳۸ش، ج ۱۲، ص ۱۶۷). بعضی اندیشمندان مسلمان، ناشناخته بودن پیامبر(ص) در میان قوم خودش را به دور از ظاهر آیه و زندگی معروف آن حضرت پنداشته و به تضعیف این رأی پرداخته‌اند(طالقانی، ۱۳۶۲ش، ج ۴، ص ۱۴۴). در بعضی نگاشته‌های تفسیری، ناشناخته بودن پیامبر(ص) به مرتبه و مقام آن حضرت تعلق گرفته است(ن.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۷۶۶؛ اشکوری، ۱۳۷۳ش، ج ۴، ص ۸۱۰؛ سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۱). گفته‌اند به کسی که بین مردم ضایع می‌شود و مردم حقش را نمی‌شناسند «ضال» گفته می‌شود(ن.ک: بحرانی، ۱۳۸۹ش، ص ۶۵۲).

به نظر می‌رسد خاستگاه فهم لفظ «ضال» بر گمنامی و ناشناخته بودن، استعمال آن در زبان عربی است که مورد استناد تفسیرنگاران نیز قرار گرفته است. بیان ناپیدا شدن آب در شب با عبارت: «ضَلَّ الْمَاءُ فِي اللَّيْلِ» و یا پنهان شدن آب در شیر با عبارت: «ضَلَّ الْمَاءُ فِي اللَّبَنِ» از شواهد چنین کاربردی است(ن.ک: میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۰، ص ۵۲۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۱۹۸؛ قمی نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۵۱۷).



۴-۲-۳-۲. ضال به معنی یکتایی پیامبر(ص)

در برخی تفاسیر، آیه به معنی انفراد پیامبر(ص) در دین و هدایت مردم به سوی وی و یا هدایت مردم به وسیله پیامبر(ص) و به سوی پروردگار آمده است(ن.ک: قرطبی، ۳۶۴ش، ج ۲۰، ص ۹۹؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۶۰۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، صص ۳۸۱-۳۸۲؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۶۳۶). در برخی متون تفسیری آمده است: خداوند تو [پیامبر] را منفرد و جدا از گمراهان و گریزان از دینشان دید و تو را به معاشرت با مردم و دعوتشان به دین مبین روانه و هدایت نمود(ن.ک: فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۱۹۸؛ نهاوندی، ۱۳۸۶ش، ج ۶، ص ۵۱۶). آراء مزبور ریشه در اطلاق «ضال» بر درخت منفرد در کویر دارد(ن.ک: خطیب شربینی، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۶۳۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۳۸۱).

۵-۲-۳-۲. ضال به معنی سرگردانی

بعضی از تفسیرنگاران واژه «ضال» را به معنی تحیر و آیه را بر سرگردانی پیامبر(ص) در نحوه هدایت مردم دانسته‌اند که با نزول وحی مرتفع گشت(مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۵۷۹). چنین فهمی، از اطلاق واژه «ضال» بر انسان متحیر در زبان عربی ناشی می‌شود(ن.ک: ماوردی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۹۴؛ قرطبی، ۳۶۴ش، ج ۲۰، ص ۹۷). برداشتی دیگر از آیه در متون تفسیری چنین است: خداوند، پیامبر(ص) را در امر معاش و زندگی سرگردان دید و به تدبیر معاش راهنمایی نمود. فرض مزبور به سبب اطلاق «ضال» بر شخص متحیر در کسب و کار شکل گرفته است (سیدمرتضی، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۴۶۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۷۶۶؛ سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۱). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۶-۲-۳-۲. ضال به معنی عدم شناخت

به زعم بعضی عالمان مسلمان، ماده «ضال» به معنی «عدم شناخت» و آیه دال بر عدم معرفت و شناخت حضرت محمد(ص) به پروردگار متعال در اوان کودکی و مشابه آیه: (وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا) (نحل: ۷۸) است و لذا خداوند عقل، هدایت و معرفت را در وجود ایشان می‌نهد(ن.ک: فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۱۹۸؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳۰، ص ۳۴۶).

برخی مفسران با فرض خود پیامبر(ص) به عنوان متعلق «ضال»، آیه را بر راه یافتن و نیل پیامبر(ص) به خودشناسی فهمیده‌اند (ن.ک: بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۶۸؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۴۸۷).

۲-۳-۲-۷. ضال به معنی محب هدایت

بعضی مفسران، «ضلال» را به معنی محبت و آیه را چنین فهمیده‌اند: خداوند متعال پیامبر(ص) را محب هدایت و یا محب پروردگار یافت پس وی را هدایت نمود. قائلان به رأی مزبور آیه: (قَالُوا تَاللّٰهِ اِنَّكَ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ) (یوسف: ۹۵) را از شواهد کاربرد ماده «ضلال» در معنای محبت آورده‌اند (ن.ک: ماوردی، بی تا، ج ۶، ص ۲۹۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۲۰، ص ۹۷؛ ابن جزی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۹۱).

۲-۳-۲-۸. ضال به معنی غافل از اخبار پیشینیان

از احتمالات آمده در تفاسیر، فهم آیه بر غفلت پیامبر(ص) از اخبار پیشینیان و اطلاع یافتن بر آن توسط خداوند متعال است (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۰، ص ۵۶۱).

۲-۳-۲-۹. ضال به معنی عدم هدایت

برخی مفسران، متعلق واژه «ضال» را در آیه، معالم نبوت و شرایع دین یا احکام شریعت و آیه: (مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ) (شوری: ۵۲) را مؤید این معنا دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۳۶۹؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۶۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۵۸؛ رسعی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۶۶۶). چنین فهمی، ضلالت را مفهومی منافی با ایمان، توحید، پاکی و تقوی نمی‌سازد، بلکه نفی آگاهی از اسرار نبوت، قوانین اسلام، و عدم آشنایی با این حقایق است (طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۱۴، ص ۱۴۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۷، ص ۱۰۳). نویسنده تفسیر المیزان با استناد به آیه پیشین ماده «ضلال» در آیه را نه به معنی گمراهی بلکه به معنی عدم هدایت فهمیده است. بر پایه دیدگاه وی، نفس شریف رسول خدا(ص) با قطع نظر از هدایت پروردگار ضال و بی‌راه بود، هر چند که هیچ روزی از هدایت الهی جدا نبوده و از بدو آفرینش ملازم با آن بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، صص ۳۱۰-۳۱۱).

به باور برخی مفسران، ماده «ضلال» در آیه مورد بحث به معنی غفلت آمده و معنایی همانند آیات: (لا يَضِلُّ رَبِّيَ وَ لَا يَنسَى) (طه: ۵۲) و (وَ اِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ) (یوسف: ۳) را دارد. با چنین رهیافتی متعلق غفلت در نگاشته‌های تفسیری، امر نبوت (ن.ک: قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۲۰، صص ۹۶-۹۷؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۵۸؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۴۸۶) و یا احکام شرایع است (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۳۰، ص ۲۸۶). مفسری پس از انتساب ضلال به نبوت و یا احکام شریعت، به رد شبهه خلاف ظاهر بودن آن اشاره نموده و می‌گوید: «در ظاهر کلام، چاره‌ای جز در تقدیر گرفتن محذوفی که «ضلال» بدان تعلق گیرد، نیست؛ زیرا ضلال به معنی ذهاب و انصراف است و در جمله نیاز به منصرف عنه وجود دارد» (سید مرتضی، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۴۶۶).

۱۰-۲-۳-۲. ضال به معنی عام

بعضی مفسران با توجه به قاعده عموم لفظ و نه خصوص سبب، ضلالت و هدایت در آیه را به معنی عام دانسته‌اند که هر نوع ضلالتی به جز کفر و شرک را در بر می‌گیرد (صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۴۸۷).

۴-۲. تحلیل نظرگاه تفسیر نگاران و تبیین چندهم‌نمایی آیه ۷ سوره ضحی

افزون بر اشکالات وارد بر بعضی نظرگاه‌ها که در بخش پیشین گفته شد، به نظر می‌رسد عدم دقت در معناشناسی واژگان و بررسی ساختار جمله و نیز عدم احصای روایات تفسیری و غفلت از تحلیل چگونگی موافقت و سازگاری آنها با جمله مورد بحث در متون تفسیری سبب پراکندگی آراء، توجه به یکی از معانی آیه و یا گاهی تفسیر ناصواب شده است. انتساب کفر به ساحت نبی گرامی اسلام (ص) پیش از بعثت، با اشکالات کلامی و عقیدتی مواجه است و در تعارض با آیات قرآن (برای نمونه بنگرید: یوسف: ۳۸) قرار دارد. گمشدن در راه و یا سرگردانی معیشتی نیز با سیاق آیات در مقام امتنان و بیان نعمات خاص همخوانی ندارد. عدم شناخت خداوند در کودکی نیز امری عام و غیر مختص به شخص پیامبر (ص) است. دریافت معنای «محب» از واژه «ضال» با استناد به آیه پیش گفته نیز نیازمند توضیح و تبیین است. فهم غفلت از اخبار پیشینیان علاوه بر عدم سازواری با سیاق، زیر مجموعه دریافت‌های وحیانی آن حضرت قرار می‌گیرد و لزومی بر ذکر مصداقی آن نیست.

۱-۴-۲. اشتراک لفظی

ابن فارس اصل ماده «ضل» را ضایع و گم شدن شیء و خروج آن از جایگاه خود می‌داند. بنابراین هر منحرف از جاده میانه‌روی را می‌توان ضال نامید (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۵۶). به گفتار واژه‌پژوهان، «ضلال» به معنی عدول از راه مستقیم و در مقابل هدایت قرار دارد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۰۹). در زبان عربی درباره شیئی که غایب و پنهان گردد، عبارت: «ضَلَّ الشَّيْءُ» استعمال می‌گردد (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۴۲۱). در متون لغوی واژه «ضلال» به معنی ضیاع نیز آمده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۱۰). در عبارت: «هُوَ ضَالٌ فِي قَوْمِهِ» که چنین کاربردی را نشان می‌دهد، واژه «ضال» به معنی ضائع و گمشده است. اهل لغت بر اساس استعمال اخیر چنین برداشتی از آیه که: «پیامبر(ص) در میان قوم خود ضائع و گمشده بود به گونه‌ای که مقام و منزلت ایشان را نمی‌شناختند» را جایز دانسته‌اند. فهم واژه «ضالاً» در آیه به صورت «فی قَوْمِ ضَالِّينَ» نیز مورد تأیید اهل لغت قرار گرفته است؛ زیرا هر کس در میان قومی باشد، بدان‌ها منتسب می‌گردد (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۲۰۹).

۲-۴-۲. ساخت جمله

همچون آیه ششم به منظور ارزیابی سازواری آیه: (وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى) (ضحی: ۷) با معانی مختلف واژه «ضال»، بررسی ساخت جمله ضروری است. حذف مفعول فعل «هدی» عاملی مؤثر در بروز چندمعنایی آیه مورد بحث است. به نظر می‌رسد فرض حضرت محمد(ص) در جایگاه مفعول به از تبادر بیشتری برخوردار باشد. تأیید فرض پیش‌گفته در روایتی منسوب به نبی گرامی اسلام(ص) و با عبارت: «أَلَمْ أَجِدْكَ ضَالًّا فَهَدَيْتُكَ» آمده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۵۹۶). در فهم معنی متبادر، واژگان «ضال» و «هدی» هر دو بر پیامبر(ص) منسوب می‌شوند که البته انتساب ضلالت بر نبی گرامی اسلام(ص) نیاز به تبیین دارد.

به نظر می‌رسد درباره علت و تبیین انتساب «ضال» بر پیامبر خاتم(ص)، مراجعه به احادیث راهگشا باشد. از کلام امام علی(ع) که می‌فرماید: «لَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ ص مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيمًا أَغْظَمَ مَلَكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْأَلُكَ بِه طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَ تَحَاسِنَ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ لَيْلُهُ وَ نَهَارُهُ؛ خداوند بزرگترین ملک از میان ملائکه‌اش را از اوان شیرخوارگی با حضرت محمد(ص) هم‌نشین ساخت تا شب و روز او را به فضیلت‌ها و زیبایی‌های اخلاقی عالم رهنمون سازد» (رضی، ۱۴۱۴، ص ۳۰۰، خطبه ۱۹۲)،



می‌توان دریافت وجود رسول گرامی اسلام (ص) هیچ‌گاه منقطع از هدایت نبوده است. این سخن هر گونه گمراهی پیش از بعثت را از ساحت نبی گرامی اسلام (ص) دفع می‌کند. هر چند بهره‌مندی از هدایت مستمر که از همان اوان طفولیت ملازم آن حضرت بوده است با انتساب ضلالت به ایشان در آیه متعارض می‌نماید اما بر پایه روایتی دیگر از معصوم (ع)، پیامبر (ص) در دوره‌ای نسبت به آنچه که از ایشان قصد شده بود، ضال بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۴۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۹۶). با نظر داشت روایت پیش گفته در کنار آیاتی مانند: «وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَ لَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَ إِنَّكَ لَنَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (شوری: ۵۲) (و نیز ن.ک: شعراء: ۲۷؛ قلم: ۵۱؛ طور: ۲۹؛ دخان: ۱۳ و ۱۴؛ أعراف: ۱۸۴؛ سبأ: ۴۶)، می‌توان چنین استنباط نمود که آنچه وی در برهه‌ای از زمان فاقدش بوده، موضوعی در ارتباط با نبوت و دریافت‌های وحیانی ایشان بوده است.

توضیح آنکه بر اساس چنین آیاتی ارتباط وحیانی، منجر به زدودن گونه‌ای از جهل و عدم اهتداء از پیامبر شده و آن حضرت مرتبه بالاتری از هدایت را دریافت می‌کند و به تبع نیل به بالاترین مرتبه هدایت، مردم را نیز به صراط مستقیم هدایت می‌نماید. در حقیقت پیامبر (ص) همواره در مسیر هدایت قرار داشته‌اند اما انتساب «ضال» به سبب ذومراتب بودن این مفهوم و عدم راهیابی به عالی‌ترین مرتبه وحی صورت گرفته است. گزارش منسوب به ابن عباس: «وَ وَجَدَكَ ضَالًّا عَنْ النَّبُوَّةِ فَهَدَىٰ إِلَى النَّبُوَّةِ» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۶۹) که متعلق ضال را نبوت دانسته می‌تواند تأییدی بر دیدگاه گفته شده باشد.

افزون بر معنای پیشین در انتساب «ضال» بر پیامبر (ص) و سخن از چگونگی تحقق آن در گونه‌ای دیگر از روایات، مفعولاً به مردم‌اند و کاریست «ضلال» در آیه: «وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ» از مواضعی است که ظاهر لفظ بر پیامبر (ص) منسوب شده است. در این دسته از روایات به معنایی دیگر از واژه «ضال» یعنی گمنامی و ناشناخته بودن، توجه شده است. بر این پایه در روایتی منسوب به امیرالمؤمنین (ع)، آیه مورد بحث بر عدم معرفت مردم نسبت به نبوت پیامبر (ص) تفسیر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۲۰۸). این معنا در دیگر روایات نیز بازتاب دارد؛ برای مثال در حدیثی آمده است: «پیامبر (ص) در بین مردم گمشده و ناشناخته بود و خداوند مردم را به شناخت وی هدایت نمود» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۰۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، صص ۴۲۸-۴۲۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، صص ۳۴۱-۳۴۲).

برخی قرآن‌پژوهان این معانی را از نوع مجاز در اسناد دانسته‌اند. در این باره باید توجه داشت که معانی مجازی هم می‌توانند مجرای چندمعنایی باشند؛ یعنی معنای مجازی در کنار معنای حقیقی و هم دو معنای مجازی می‌توانند بستر چندمعنایی قرار گیرند (ن.ک: طیب حسینی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۲۷). احصای روایات معصومین (ع) در متون کهن روایی، وفاق با معانی لغوی واژه «ضال» و ساختار نحوی جمله را نشان می‌دهد. خداوند متعال در این آیه نیز با گزینش و چینی حکیمانه اسباب چندمعنایی آن را رقم زده است و معصومین (ع) نیز با علم بر اسباب خوانش‌های مختلف و تعدد معانی آیه، تفسیرهای مختلف آن را در گفتار خویش انعکاس داده‌اند. لازم به توجه است فهم آیه که بر پایه روایات معصومین (ع) شکل گرفته در عین نظر داشت ابعاد مختلف معنایی، از اشکالات کلامی و عقیدتی مبراست.

۲-۵. تقریر آراء در تفسیر آیه ۸ سوره ضحی

تفسیرنگاران به تبع تعدد معانی واژه «عائل»، معانی مختلفی از آیه هشتم سوره ضحی دریافت‌اند که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود.

۲-۵-۱. ۲-۵-۱. عائل به معنی فقیر در امور مادی

جمعی از مفسران «عائلاً» را به معنی فقیر دانسته‌اند (ابن ابی‌زمین، ۱۴۲۴ق، ص ۵۲۵؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۴۹۵؛ مهائمی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۰۶؛ شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۲۲). این واژه به زعم برخی مفسران به معنی فقیری است که دارای عائله باشد (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۳۷۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۳۱۹) و به زعم برخی دیگر، مطلق فقیر است دارای عائله باشد یا نباشد (ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۴۵۹؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۵۸؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۱۹۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۵۷۹). در برخی متون تفسیری، اصل «عائل» به معنی فردی آمده است که عائله زیادی دارد و قادر بر نفقه آنان نیست و سپس بر انسان فقیر نیز اطلاق گشته است؛ هر چند عائله یا خانواده‌ای نداشته باشد (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۱۵، ص ۴۳۱).
 عده‌ای از تفسیرنگاران مفهوم فقر در واژه «عائل» را فقر مالی دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۷۶۷؛ مراغی، بی‌تا، ج ۳۰، ص ۱۸۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۴، ص ۳۰۸). در این بین برخی مفسران، فعل «أغنی» را نیز مربوط به امور مالی دانسته و عوامل مختلفی را در رفع نیاز مادی پیامبر (ص) برشمرده‌اند.



مواردی چون سود تجارت (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۳۱۹)؛ اموال حضرت خدیجه (س) (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۲۰، ص ۹۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۱۱؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۴، ص ۳۰۸) و غنایم (ن.ک: میدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۰، ص ۵۲۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۶۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۵۷۹).

بعضی دیگر از مفسران به رغم اینکه مفهوم فقر مادی را از واژه «عائل» دریافته‌اند اما مفهوم غنا را امری معنوی و مربوط به نفس و قلب پیامبر دانسته‌اند؛ برداشت‌هایی نظیر: «پیامبر فقیر بود و خداوند با نشان دادن آنچه از نعیم و کرامات برای وی در آخرت مهیا نموده، وی را غنی نمود به گونه‌ای که دنیا در نظرش خوار گشت» (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۰، ص ۵۶۲) و یا «مقصود از غناء، قناعت و رضایت به عطایای الهی است» (ن.ک: سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۹۲؛ ابن ابی زمنین، ۱۴۲۴ق، ص ۵۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۷۶۷)، فهم مفهوم غنا بر امور معنوی را نشان می‌دهد. عده‌ای دیگر از تفسیرنگاران، غنا را اعم از بی‌نیازی مادی و معنوی دانسته‌اند و مصادیق مختلفی را در بی‌نیازی حضرت محمد (ص) برشمرده‌اند (فیضی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۳۰۵؛ نهایندی، ۱۳۸۶ش، ج ۶، ص ۵۱۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۳۵۳).

۲-۵-۲. عائل به معنی فقیر در امور غیر مادی

جمعی از مفسران برخلاف گروه پیشین، فقر مستفاد از واژه «عائل» را ناظر به امور غیرمادی و پیامبر را فقیر از قرآن و علم (ن.ک: سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۹۲)، کتاب و حکمت (ن.ک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۱۷)، کتاب و شریعت (ن.ک: ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۲۲۹)، فقیر نسبت به شناخت پروردگار (تستری، ۱۴۲۳ق، ص ۱۹۷)، نیازمند به حجج و براهین (ن.ک: ماوردی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۹۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۲۰، ص ۱۰۰) و یا نیازمند به صحابه دانسته‌اند (ن.ک: ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۲۲۹).

۲-۵-۳. عائل به معنی فقر مالی و معنوی

عده‌ای از قرآن‌پژوهان، واژه «عائل» را فقیر در هر دو بعد مادی و معنوی فهمیده‌اند که خداوند متعال به تبع آن، هر دو نیاز پیامبر (ص) را برطرف فرمود (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳۰، ص ۳۴۸).

۴-۵-۲. عائل به معنی سرپرست و صاحب عیال

برخی از تفسیرنگارانی که واژه «عائل» را به معنی سرپرست و صاحب عیال می‌دانند، آیه را چنین فهمیده‌اند که: خداوند، پیامبر(ص) را به سبب کثرت امت، صاحب عیال یافت؛ زیرا همه خلائق، عیال وی بودند و محتاج به ایشان، پس حضرت محمد(ص) را با علم قرآن و احکام شریعت توانگر ساخت تا به مردم انفاق نماید(ن.ک: فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، صص ۱۹۹-۲۰۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۱۰، ص ۲۷۷؛ طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۱۴، ص ۱۵۰). عاملی با چنین رویکردی مردم را در علم‌آموزی عیال حضرت محمد(ص) می‌دانند(ن.ک: بحرانی، ۱۳۸۹ش، ص ۷۱۲).

۶-۲. تحلیل نظرگاه تفسیرنگاران و تبیین چندمعنایی آیه ۸ سوره ضحی

هرچند ابعاد معنایی آیه هشتم سوره ضحی در روایات تفسیری اهل بیت(ع) تبیین شده است اما غفلت از گردآوری و تحلیل مجموع روایات تفسیری در کنار بی‌توجهی به اشتراک لفظی واژه «عائل» و ساخت جمله، تعدد و پراکندگی دیدگاه‌ها را در فهم آیه به دنبال داشته است.

۱-۶-۲. اشتراک لفظی

در گفتار واژه‌پژوهان اصل واژه «عائل»، عایل و عاول بوده و مشترک بین أجوف واوی و یایی است. بعضی از لغت‌پژوهان بر پایه مقابله‌اش با واژه «فأغنی»، آن را در آیه مورد بحث، أجوف یایی پنداشته و اصل واحد در أجوف یایی را فقر و تحت تکفل قرار گرفتن، دانسته‌اند(مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۸، ص ۲۸۰). در متون لغوی «عیله» به معنی فقر و حاجت آمده است(طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۴۳۲). عبارت: «عَالَ الرَّجُلُ عِيَالَهُ عَوْلًا» که کاربرد این ماده را در ساخت أجوف واوی نشان می‌دهد، درباره شخصی به کار می‌رود که افراد تحت تکلف را سرپرستی نموده و نیازهای آنان را برآورده سازد(ن.ک: طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۴۳۲).

۲-۶-۲. ساخت جمله

همچون دو آیه پیشین عامل مؤثر در انعطاف ساخت جمله نسبت به تعدد معانی، مسئله حذف است. از بررسی اخبار روایی معصومین(ع) می‌توان موافقت با گفتار واژه‌پژوهان را دریافت که «عائل» را مشترک بین دو ریشه «عیل» و «عول» دانسته‌اند. همین اشتراک سبب می‌شود که «عائل»، اولاً بر معنای نیاز و ثانیاً ذوعیال بودن و سرپرستی دلالت داشته باشد.



بر پایه برخی احادیث مفعولاً به فعل «فأغنی» حضرت محمد(ص) و با توسعه معنایی در مفهوم نیاز، آیه بر رفع نیاز مادی و معنوی آن حضرت تفسیر شده است. کلام پیامبر خاتم(ص) که آیه را معرف احسان حضرت خدیجه(س) می‌خواند(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۴)، نشان از رفع نیازمندی مالی آن حضرت دارد.

حدیث ناظر به موضوع از امام رضا(ع) که فرمود: «خداوند از طریق استجابت دعای پیامبر(ص)، وی را بی‌نیاز نمود» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۰۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۲۹) و گزارش زراره از امامان(ع) که فرمودند: «خداوند پیامبر(ص) را به وسیله وحی بی‌نیاز نمود؛ لذا از شخصی درباره چیزی سؤال نمی‌پرسید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۴۲)، گواه دلالت آیه بر رفع نیاز معنوی پیامبر(ص) توسط پروردگار است.

در گونه‌ای دیگر از روایات معصومین(ع) واژه «عائل» به معنی صاحب عیال و سرپرست آمده است. در این گزارشات متعلق فعل «فأغنی» افزون بر شخص رسول خدا(ص)، امت آن حضرت نیز هست. بر پایه یکی از احادیث، مردم در علم، عیال پیامبر(ص) بودند؛ پس خداوند آنان را به وسیله پیامبر(ص) بی‌نیاز نمود(ن.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۴۱). در روایتی مشابه آمده است: «پیامبر(ص) سرپرست اقوامی بود و خداوند آنان را به وسیله علم حضرت محمد(ص) بی‌نیاز فرمود»(قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۴۲). مطابق روایاتی که از آنها سخن رفت، هم پیامبر خاتم(ص) از طریق علوم و حیانی بی‌نیاز می‌گردد و هم مردم در جایگاه مفعولاً به، به واسطه آن حضرت بی‌نیاز می‌شوند.

با توجه به عدم وجود قرینه‌ای که فعل «أغنی» را بر حضرت محمد(ص) منحصر سازد، می‌توان بی‌نیازی مردم را نیز از آیه استنباط نمود و چنین فهمی با ظاهر آیه ناسازگار به نظر نمی‌رسد و اگر اشکال لزوم تقدیر گرفتن بر چنین فهمی مطرح شود، باید گفت: در هر صورت ناگزیر از تقدیر گرفتن هستیم و حتی انحصار متعلق فعل: «أغنی» بر حضرت محمد(ص)، موجب بی‌نیازی از تقدیر نمی‌گردد.

به نظر می‌رسد مواهب مذکور در آیات سه‌گانه با نعمت برگزیدگی و نیل به مقام نبوت و رسالت و دستیابی پیامبر اکرم(ص) به عالی‌ترین مرتبه وحی در ارتباطاند. راهیابی به این منزلت هم موهبتی خاص برای آن حضرت است و هم بهره‌مندی مردم از آن‌را در پی دارد و این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند. در جدول زیرین معانی منتخب آیات مورد بحث انعکاس می‌یابد و البته هدف از آن، ارائه ترجمه برابر از آیات نیست.

آیات	معانی
«أَمْ يَحْدِكُ يَتِيمًا فَاْوَى» (ضحی: ۶)	خداوند تو [پیامبر] را یتیم و محروم از پدر یافت پس پناهت داد. خداوند تو [پیامبر] را منحصر به فرد و متمایز یافت پس تو را در کنف حمایت خود جای داد. خداوند تو را منحصر به فرد و متمایز یافت پس مردم به تو پناه جستند و به سبب تو، مردم را پناه داد.
«وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى» (ضحی: ۷)	تو [پیامبر] ناآشنا با کتاب و راه‌نیافته به عالی‌ترین مراتب ایمان بودی پس خداوند تو را بدان هدایت نمود. تو در بین مردم ناشناخته بودی [با فضیلت و جایگاهت ناآشنا بودند] پس آنان را به شناخت تو و به سبب تو هدایت نمود.
«وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى» (ضحی: ۸)	خداوند تو را نیازمند [در امور مادی و معنوی] یافت پس بی‌نیازت نمود. خداوند تو را سرپرست و متکفل [انسان‌های بی‌شماری] یافت پس آنان را به وسیله تو بی‌نیاز نمود.

نتایج تحقیق

- ۱) غفلت از بررسی‌های دقیق‌تر در فهم معانی مفردات و ساختار آیات سه‌گانه مورد بحث، در کنار عدم گردآوری و تحلیل روایات تفسیری، سبب پراکندگی، اختلاف آراء و عموماً توجه به برخی از ابعاد معنایی آیات در میان تفسیرنگاران شده است و گاه شکل‌گیری دیدگاه‌هایی با اشکالات کلامی و عقیدتی را رقم زده است.
- ۲) درباره آیات سه‌گانه مورد بررسی روایاتی وجود دارد که با عناصر عمومی فهم و معنای متبادر مناسبت دارد و آن را تأیید می‌کند و از سوی دیگر روایاتی مشاهده می‌شود که با گشودن عرصه‌هایی تازه از فرآیند فهم معنا در عین پیراستگی از اشکالات کلامی و عقیدتی، مفسر را به فهم ابعاد ژرف‌تر معنایی رهنمون می‌سازد.
- ۳) خداوند حکیم با گزینش و چینشی حکیمانه بستر خوانش‌های مختلف و چندمعنایی آیات ششم تا هشتم سوره ضحی را فراهم می‌سازد که البته تفسیر معصومین علیهم السلام از این آیات نیز در وفاق با چنین ساختی و بر پایه خوانش‌های متعدد از آنها رقم می‌خورد. این مناسبت و وفاق می‌تواند تأییدی باشد بر اینکه بافت آیات سه‌گانه محصول محدودیت‌های طبیعی زبان نیست و وجود حکمتی فراتر از اعجاز بیانی و رعایت موسیقی کلام را از آن آشکار می‌سازد.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- آل غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲ق)، *بیان المعانی*، دمشق: مطبعة الترقی.
- الوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا (ع)*، تهران: نشر جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ش)، *علل الشرایع*، قم: کتابفروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *معانی الأخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، *التسهیل لعلوم التنزیل*، بیروت: شركة دارالأرقم.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، بی جا: مکتبه الأعلام الاسلامی.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱ق)، *تفسیر غریب القرآن*، بیروت: مکتبه الهلال.
- ابن هشام، عبدالملک (بی تا)، *السیره النبویة*، بیروت: دارالمعرفه.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- اسعدی، محمد (۱۳۹۴ش)، *سایه‌ها و لایه‌های معنایی*، قم: بوستان کتاب.
- اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳ش)، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران: دفتر نشر داد.
- الربیعی، علی عباس سلمان (۱۴۳۹ق)، «بلاغه لغة القرآن الکریم فی سورة الضحی»، *المصباح*، شماره ۳۳، صص ۱۴۵-۱۶۸.
- امیدعلی، احمد؛ خلیلی، فاطمه (۱۳۹۶ش)، «بررسی واژگان چندمعنا و اهمیت آن در ترجمه بر اساس بافت»، *مطالعات ادبی متون اسلامی*، سال ۲، شماره ۸، صص ۳۹-۶۰.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۸۹ش)، *ترجمه تفسیر روایی البرهان*، ترجمه: رضا ناظمیان و همکاران، تهران: کتاب صبح.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، *معالم التنزیل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۷ش)، *ترجمه شناسی قرآن کریم*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق)، *تفسیر التستری*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، *تفسیر الثعالبی (جواهر الحسان)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۷۸ق)، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان*، تهران: دانشگاه تهران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، *ادب فنای مقربان*، قم: نشر اسراء.
- حائری طهرانی، علی (۱۳۳۸ش)، *مقتنیات الدرر*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- حلبی، ابوالفرج (۱۴۲۷ق)، *السیره الحلبیه*، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
- خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق)، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خسروانی، علیرضا (۱۳۹۰ق)، *تفسیر خسروی*، تهران: کتابفروشی اسلامییه.
- خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۲۵ق)، *السراج المنیر*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دشن، زهرا، و اویسی کامران (۱۴۰۱ق)، «نقد و بررسی وجوه تفسیری آیه هفتم سوره ضحی»، *مطالعات تفسیری*، سال ۱۳، شماره ۵۲، صص ۴۹-۶۶.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.
- رجبی، محمود (۱۳۸۸ش)، *روش شناسی تفسیر قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رسعنی، عبدالرزاق (۱۴۲۹ق)، *رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز*، مکه: مکتبه الاسدی.
- رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، قم: هجرت.
- زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالفکر.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق)، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*، دمشق: دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دارالکتب العربی.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ق)، *الفائق فی غریب الحدیث*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

سامرای، فاضل صالح (۱۳۹۲ش)، *درآمدی بر تفسیر بیانی قرآن کریم*، ترجمه حمیدرضا میرحاجی، تهران: نشر سخن.

سبحانی، جعفر (۱۳۸۵ش)، *فروع ابدیت*، قم: بوستان کتاب.

سلطان علی شاه، محمد بن حیدر (۱۴۰۸ق)، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.

سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، *تفسیر السمرقندی (بحر العلوم)*، بیروت: دارالفکر.

سید کریمی حسینی، عباس (۱۳۸۲ش)، *تفسیر علین*، قم: نشر اسوه.

سید مرتضی (علم‌الهدی) (۱۴۳۱ق)، *تفسیر الشریف المرتضی (نفائس التاویل)*، بیروت: مؤسسه الاعلمی

للمطبوعات.

شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳ش)، *تفسیر اثنی عشری*، تهران: میقات.

شبر، عبدالله (۱۴۰۷ق)، *الجواهر الثمین فی کتاب المبین*، کویت: شرکة مکتبة الالفین.

شوکانی، محمد (۱۴۱۴ق)، *فتح القدير*، دمشق: دار ابن کثیر.

شیبانی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*، قم: نشر الهادی.

صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.

صدیق حسن خان، محمد صدیق (۱۴۲۰ق)، *فتح البیان*، بیروت: دارالکتب العلمیة.

صفوی، کوروش (۱۳۹۷ش)، *درآمدی بر معنی شناسی*، تهران: انتشارات سوره مهر.

طالقانی، محمد (۱۳۶۲ش)، *پرتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان*، تهران: ناصر خسرو.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفة.

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی.

طنطاوی، محمد (۱۹۹۷م)، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره: نهضة مصر.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طه، حبیب (۱۳۵۲ق)، «تفسیر سوره الضحی شی من سیرته صلی الله علیه و سلم»، *مجله نورالاسلام*،

شماره ۳۳، صص ۱۸۳-۱۹۳.

- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسلام.
- طیب حسینی، محمود (۱۳۹۵ش)، *چند معنایی در قرآن کریم*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، قم: نشر اسماعیلیان.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، بیروت: دارالآفاق الجدیدة.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق)، *من وحی القرآن*، بیروت: دارالملاک.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، *الصافی*، تهران: مکتبه الصدر.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۸ق)، *الأصفی*، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
- فیضی، ابوالفیض بن مبارک (۱۴۱۷ق)، *سواطع الالهام*، قم: دار المنار.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم: مؤسسه دار الهجرة.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- قشیری، عبدالکریم بن هوزن (۲۰۰۰م)، *لطایف الاشارات*، قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب.
- قمی نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- کاشانی، فتح الله (۱۴۲۳ق)، *زبدۀ التفاسیر*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
- کاشانی، فتح الله (۱۳۳۶ش)، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- کاشفی، حسین بن علی (بی تا)، *تفسیر حسینی (مواهب علیه)*، سراوان: کتابفروشی نور.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق)، *تأویلات اهل السنة*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، *النکت و العیون*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- محمد جعفری، رسول، و محمدی، حسین (۱۳۹۶ش)، «نقد و بررسی روایات اسباب النزول سوره ضحی»، *مجله حدیث و اندیشه*، شماره ۲۳، صص ۲۸-۴۶.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق)، *من هدی القرآن*، تهران: دار محبی الحسین.
- مدنی، محمدحسین (۱۳۹۸ش)، «بررسی تطبیقی آرای مفسران در تبیین مفهوم ضلالت در آیه (وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى)»، *پژوهش‌های تفسیر تطبیقی*، سال ۴، شماره ۹، صص ۱۶۹-۱۹۳.
- مراغی، احمد مصطفی (بی تا)، *تفسیر المراغی*، بیروت: دارالفکر.
- مستنبط غروی، مرتضی (۱۳۸۱ق)، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، تبریز: شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، *التفسیر الکاشف*، دمشق: دارالقلم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهائمی، علی بن احمد (۱۴۰۳ق)، *تبصیر الرحمن و تیسیر المنان*، بیروت: عالم الکتاب.
- میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، *کشف الأسرار و عدۀ الأبرار*، تهران: امیر کبیر.
- نظام الأعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- نکونام، جعفر؛ جلالی شوره‌دلی، زهرا؛ امین ناجی، محمدهادی (۱۴۰۱ش)، «بازتاب تنگنای مالی پیامبر (ص) در سوره ضحی»، *پژوهشنامه قرآن و حدیث*، شماره ۳۰، صص ۳۱-۴۱.
- نهاوندی، محمد (۱۳۸۶ش)، *نفحات الرحمن*، قم: مؤسسه البعثة.

Bibliography:

The Holy Qur'an.

- Abul Fotuh Razi, Hossein bin Ali (1408 AH), *Ruz al-Jinan and Rouh al-Janan*, revised by Muhammad Mahdi Naseh and colleagues, Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Al-Ghazi, Abdul Qadir (1382 AH), *Bayan al-Ma'ani*, Damascus: Al-Taraqi Press.
- Al-Rabi'i, Ali Abbas Salman (1439 AH), "The Rhetoric of the Language of the Holy Qur'an in Surah Al-Duha," *Al-Misbah*, p. 33.
- Alousi, Mahmoud bin Abdullah (1415 AH), *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem and Al-Saba Al-Muthani*, Edited by Ali Abd al-Bari'atayah, Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyya.
- Aroosi Hawaizi, Abd Ali bin Juma (1415 AH), *Tafsir Noor al-Saqalain*, revised by Hashim Rasouli, 4th edition, Qom: Ismailian Publishing House.

- Asadi, Mohammad (2014), *Shadows and Semantic Layers*, third edition, Qom: Bustan-Ketab
- Askari, Hassan bin Abdullah (1400 A.H.), *Al-Farooq Fi Al-Lugha*, Beirut: Dar al-Afaq al-Jadidah.
- Bahrani, Hashim bin Suleiman (2009), translation of *Tafsir Rivai al-Barhan* (with an introduction by Abul Hasan Ameli), translated by Reza Nazimian and colleagues, Tehran: Kitab Sobh.
- Baghvi, Hossein bin Masoud (1420 AH), *Maalam al-Tanzil*, edited by Abd al-Razzaq al-Mahdi, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Beidawi, Abdullah bin Omar (1418 AH), *Anwar al-Tanzil and Asrar al-Tawil*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Dashan, Zahra and Owaisi Kamran (1401 AH), "Criticism and review of the interpretation aspects of the seventh verse of Surah Al-zuha", *Exegetical Studies*, year 13, no. 52.
- Fakhr razi, Muhammad bin Umar (1420 AH), *al-Tafseer al-Kabir (Mafatih al-Ghayb)*, third edition, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Faiz Kashani, Muhammad bin Shah Morteza (1415 AH), *Al-Safi*, second edition, Tehran: Maktaba Al-Sadr.
- Faiz Kashani, Muhammad bin Shah Morteza, (1418 AH) *Al-Asfa*, Qom: Al-Nashar Publishing Center of Al-Ilam Al-Islami Library.
- Fayyumi, Ahmad bin Muhammad (1414 AH), *al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer*, second edition, Qom: Dar al-Hijra.
- Fayzi, Abul Faiz bin Mubarak (1417 AH), *Swat'i al-Ilham*, Qom: Dar al-Manar.
- Fazlullah, Muhammad Hossein (1419 AH), *Min Wahi al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Malik.
- Furat Kofi, Furat bin Ibrahim (1410 AH), *Tafsir Furat al-Kofi*, Tehran: Al-Nashar Foundation in the Ministry of Islamic Guidance.
- Haeri Tehrani, Ali (1338 AH), *Muqtaniyat al-Durar*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya.
- Halabi, Abul Faraj (1427 AH), *Al-Sirah al-Halabiyyah*, Beirut: Dar al-Kitab al-Islamiyyah.
- Ibn Ashur, Muhammad Tahir (1420 AH), *Tahrir wa Al-Tanvir*, Beirut: Al-Tarikh al-Arabi Foundation.
- Ibn Attiyah, Abdul Haq bin Ghalib (1422 AH), the editor of *al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*, edited by Abd al-Salam Abd al-Shafi Muhammad, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali (1378 AH), *Oyoun Akhbar al-Reza (pbuh)*, Tehran: Jahan press.

- Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali, (1385 AH) Ilal Al- Sharaye, Qom: Davari Bookstore.
- Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali, (1403 AH), Ma'ani al-Akhbar, edited by Ali Akbar Ghafari, Qom: Islamic Publications Office.
- Ibn Faris, Ahmad (1404 A.H.), Mu'jam maqaeis al-Lugha, edited by Abd al Salam Muhammad Haroun, n.p: Maktaba Al-Ilam al-Islami.
- Ibn Jezi, Muhammad bin Ahmad (1416 AH), Al-Tashil li-Uloom al-Tanzil, Edited by Abdullah Khalidi, Beirut: Dar al-Arqam Bin Abi al-Arqam Company.
- Ibn Jouzi, Abd al-Rahman ibn Ali (1422 AH), Zad al-Masir fi ilm al-tafsir, edited by Abd al-Razzaq Mahdi, Beirut: Dar al-Kotob al-Arabi.
- Ibn Hisham, Abd al-Malik (Baita), Al-Sirah al-Nabawiyya, Beirut: Daral al-Marefa.
- Ibn Qutiba, Abdullah bin Muslim (1411 AH), Tafsir Gharib al-Qur'an, Beirut: Al-Hilal Dar and School.
- Ishkavari, Muhammad bin Ali (1933), Tafsir Sharif Lahiji, edited by Jalaluddin Muhaddith, Tehran: Dad press.
- Javadi Amoli, Abdullah (1389 AH), Adabe Fanaie Moqaraban, edited by Mohammad Safaei, third edition, Qom: Isra'a Publishing House.
- Jurjani, Hossein bin Hassan (1378 AH), Jala al-Azhan and Jala Al-Ahzan, edited by Jalal al-Din Muhadith. Tehran: University of Tehran.
- Kashani, Fathullah (1423 AH), Zubdah al-Tafaseer, Qom: Al-Maarif Islamic Foundation.
- Kashani, Fathullah, (1336 AH), Manhaj al-Sadeghin fi Zam al-Mukhalifin, Tehran: Islamic Book Store.
- Kashfi, Hossein bin Ali (N.d), Tafsir Hosseini (Mavahebe Aliya), Saravan: Noor Bookstore.
- Khazen, Ali bin Muhammad (1415 AH), Lubab al-Taawil fi Maani al-Tanzil, edited by Abd al-Salaam Muhammad Ali Shahin, Beirut: Dar al-Kitab al-Ilmiya.
- Khosravani, Alireza (1390 AH), Tafsir Khosravi, edited by Mohammad Baqer Behboodi, Tehran: Islamic Bookstore.
- Khatib Sharbini, Muhammad bin Ahmad (1425 AH), Al-Sirraj al-Munir, edited by Ibrahim Shams-al-Din, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
- Kulaini, Muhammad bin Yaqub (1407 AH), Al-Kafi, Edited by Ali Akbar Ghaffari, 4th edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Majlisi, Muhammad Baqir (1403 AH), Bihar al-Anwar al-Jamaa Li durar Akhbar al-Imam al-Athar, second edition, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.

- Madaeni, Mohammad Hossein (1398 AH)," Comparative review of commentators' opinions on the explanation of the concept of error in the verse) wa wajadaka zaalan Fahada) ,"Comparative Commentary Research, 4th year, vol. 3, serial 9.
- Mahaimi, Ali bin Ahmad (1403 AH), Tabsir al-Rahman and Taysir al-Mannan, second edition, Beirut: Alam al-Kutub.
- Makarem Shirazi, Nasser (1371AH), Tafsir Nemooneh, 10th edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Maturidi, Muhammad ibn Muhammad (1426 AH), Tawilat Ahl al-Sunnah, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
- Maraghi, Ahmad Mustafa (n.d), Tafsir al-Maraghi, Beirut: Dar al-Fikr.
- Mawardi, Ali Ibn Muhammad (N.d), Al-Nukat and Al-uyoun, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
- Meybodi, Ahmad bin Mohammad (1371AH), Kashf al-Asrar and uddat al-Abrar,^o th edition, Tehran: Amir Kabir.
- Mostafavi, Hassan (1368), Tahaqiq fi kalamat al-Qur'an al-Karim, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Mohammad Jafari, Rasool and Mohammadi Hossein (2016)," Criticism and review of narrations about the descent of Surah Al-Zuha ,"Hadith and Thought Magazine, p. 23.
- Mudarresi, Mohammad Taqi (1419 AH), Min Hoda al-Qur'an, Tehran: Dar Mohibi-Hossein.
- Mustanbat –Gharavi, Morteza (1381 AH), Muhabbeh al-Rahman fi Tafsir al-Qur'an, Tabriz: Azarbaijan Book Publishing Company.
- Mughniyeh, Mohammad Javad (1424 AH), al-Tafsir al-Kashif, Damascus: Dar al-Qalam.
- Nahavandi, Mohammad (1386AH), Nafahat al-Rahman, Qom: Al-Bath Foundation.
- Nekunam, Jafar, Jalali Shoura-Deli Zahra and Amin Naji Mohammad Hadi, (1401 AH)," Reflection of the Prophet's (PBUH) financial hardship in Surah Al-Zuha ,"Qur'an and Hadith Research Journal, p. 30, 31-41.
- Nizam al-Araj, Hasan bin Muhammad (1416 AH), Gharaib al-Qur'an and Raghaib al-Furqan, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
- Omid Ali, Ahmad, and Fatemeh Khalili (2016)," Investigation of polysemous words and their importance in translation based on context ,"Literary Studies of Islamic Texts, second year, no. 4, consecutive 8, 39-60.
- Paktachi, Ahmad (2017), Translation Studies of the Holy Quran, Tehran: Imam Sadiq University

- Qomi Neishabouri, Nizam al-Din Hasan ibn Muhammad (1416 AH), *Gharaib al-Qur'an and Raghaib al-Furqan*, edited by Zakaria Amirat, Beirut: Dar al-Kutub al-ilmiya.
- Qurtubi, Muhammad bin Ahmad (1364), *Al-Jaami Li ahkam al-Qur'an*, Tehran: Naser Khosrow.
- Qushairi, Abdul Karim bin Hawazen (2000 AD), *Lataif al-isharat*, edited by Ebrahim Bassiuni, 3rd edition, Cairo: Al-Mesriyyah al-Kutub.
- Rajabi, Mahmoud (2008), *Methodology of Qur'an Interpretation*, 4th edition, Qom: Hauza and University Research Center.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1412 AH), *Vocabulary of the Qur'an*, edited by Safwan Adnan Davoudi, Beirut: Dar al-Qalam.
- Rasani, Abd al-Razzaq (1429 AH), *Rumuz al-Kanuz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*, edited by Abd al-Malik Ibn Dahish. Makkah: Al-Asadi School.
- Razi, Muhammad bin Hossein (1414 AH), *Nahj al-Balaghah*, edited by Sobhi Saleh's, Qom: Hijrat.
- Sadeghi Tehrani, Muhammad (1406 AH), *Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an with the Qur'an and the Sunnah*, second edition.
- Safavi, Korosh (2017), *an introduction to semantics*, 6th edition, Tehran: Surah Mehr Publications.
- Samarraei, Fadel Saleh (1392AH), *an introduction to the explanatory interpretation of the Holy Quran*, translated by Hamidreza Mirhaji, Tehran: Sokhan Publishing House.
- Samarqandi, Nasr bin Muhammad (1416 AH), *Tafsir al-Samarqandi (Bahr al-Uloom)*, edited by Omar Amrowi, Beirut: Dar al-Fikr.
- Sayyed Karimi Hosseini, Abbas (2012), *Tafsir Illiyin*, Qom: Osweh Publishing.
- Sayyed Mortaza (Alam Al-Huda) (1431 AH), *Tafsir al-Sharif al-Mortaza (Nafaes al-Tawil)*, edited by Mojtabi Ahmad al-Mosavi, Beirut: Est. Al-Alami for Publications.
- Sediq Hasan Khan, Mohammad Sediq (1420 A.H.), *Fath Al Bayan*, Beirut: Dar al-Kutub al Ilmiya.
- Shah Abdul Azimi, Hossein (1363), *Tafsir Ethna Ashari*, Tehran: Miqat.
- Shaibani, Muhammad bin Hassan (1413 AH), *Nahj al-Bayan on discovering the meanings of the Qur'an*, edited by Hossein Dargahi, Qom: Al-Hadi publication.
- Shubbar, Abdullah (1407 AH), *Al-Jawhar al-Thamein fi al-Kitab al-Mubin*, Kuwait: Al-Alfin School Company.
- Shukani, Muhammad (1414 AH), *Fath al-Qadir*, Damascus: Dar Ibn Kathir.
- Sobhani, Jafar (1385AH), *Forough Abadiyat*, Qom: Bostan Kitab.

- Sultan Ali Shah, Muhammad bin Haydar (1408 AH), Bayan al-Saada fi Maqamat al-Ibadah, second edition, Beirut: Al-Alami Publishing House.
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1412 AH), Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar al-Marefat.
- Tabarsi, Ahmad bin Ali (1403 AH), Al-Ihtijaj Ala Ahl al-lijaj, Mashhad: Morteza Publishing.
- Tabarsi, Fazl bin Hassan (1372), Majma al Bayan, third edition, Tehran: Nasser Khosrow.
- Tabatabaei, Muhammad Hossein (2013), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, fifth edition, Qom: Islamic Publications Office
- Taha, Habib (1352 AH), " Tafseer of Surah Wal-Duha Shi Min Sirtehi, may God bless him and grant him peace ,"Noor al-Islam magazine, Rabi al-Awwal, p. 33, 183-193.
- Taleghani, Mohammad (1362), A Light from the Qur'an, 4th edition, Tehran: Publishing Company.
- Tantawi, Muhammad (1997), Al-Tafsir al-Wasit for the Holy Qur'an, Cairo: Nahda
- Tayyeb, Abdul Hossein (1369), Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, second edition, Tehran: Islam.
- Tayyeb Hosseini, Mahmoud (2015), Multiple Meanings in the Holy Qur'an, third edition, Qom: Houza and University Research Center
- Thaalabi, Abd al-Rahman bin Muhammad (1418 AH), Tafsir al-Thalabi (Jawahir al-Hisan), Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Thaalbi, Ahmad Ibn Muhammad (1422 AH), Al-Kashf and Al-Bayan, Edited by Abi Muhammad Ibn Ashur, Beirut: Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi.
- Turaihi, Fakhruddin (1935), Majma Al-Bahrain, edited by Ahmad Hosseini Ishkavari, third edition, Tehran: Mortazavi.
- Tusi, Muhammad bin Hassan (1409 AH), al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an, edited by Ahmad Habib Ameli, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Tustari, Sahl bin Abdullah (1423 AH), Tafsir al-Tustari, edited by Mohammad Bassel Ayoun Sood, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya
- Zubeidi, Mohammad Morteza (1414 AH), Taj al-Arus Men Javaher al-Qamoos, Beirut: Dar al-Fikr.
- Zuheili, Wahba (1411 AH), al-Tafsir al-Munir fi al-Aqeedah wa al-Sharia wa al-Manhaj, second edition. Damascus: Dar al-Fikr.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar (1407 AH). Al-Kashaf, edited by Mostafa Hossein Ahmad, third edition, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, (1417 AH), Al-Faiq fi Gharib al-Hadith, edited by Ibrahim Shams-al-Din, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.